



۲۰۱۷/۱۰/۲۰



جلیل غنی هروی

علل شدت حملات انتحاری

دهشت و خونخواری و قساوت و بی رحمی بار دیگر چهره منحوس خویش را در چند روز گذشته به نمایش گذاشت و بیش از سه صد جوان و طفل و کهن سال را نه تنها در مراکز نظامی و امنیتی بلکه در مساجد قربانی گرفت. این حملات غیرانسانی و مغایر تمام آموزه های اسلامی و انسانی از جانب دو گروه معلوم الحال که اعمال شنیع آنها چهره نا پاک و منحوس شانرا به عموم جهان به نمایش گذاشته انجام شده است. طالبان قتل و جراحت در حدود سه صد جوان و مدافعین آزادی و شرف و امنیت و تمامیت ارضی افغانستان را با تیختر ادعا کرده اند، و داعش چهره منحوس دیگر نمایانگر این اعمال شنیع، قتل نماز گزاران بار دیگر در دو مسجد یکی روز جمعه در مسجد امام زمان در غرب کابل و دیگری در مسجد ولسوالی دو لینه ولایت غور ادعا کرده است که درین دو حمله انتحاری در داخل مساجد در هنگام ادای نماز و طاعت و عبادت پرورد گاری که این مسلمان نماها ادعای بیروی از احکام عالی و انسانی کلام او و اطاعت از اعمال و گفتار پیامبر بزرگ او حضرت محمد(ص) می نمایند، منفجر ساختند و در هر دو مسجد در حدود شصت نفر را هنگام ادای نماز به شهادت رسانیدند.

این کشتار ها و انفجار ها و انتحار ها در حالی انجام گردیده که افغانستان و جهان سعی دارند راه حلی به جنگ های ویران کننده بیابند که مردم متدین افغانستان از چهل سال به اینطرف قربانی می دهند و در کنفرانسی در مسقط پایتخت عمان گرد آمدند تا مسیر صلحی را پی ریزی کنند که به خونریزی ها و ویرانی ها خاتمه دهد. درین کنفرانس که به نام «کنفرانس چهار جانبه» یاد می شود و این ششمین دور آن است افغانستان، پاکستان، ایالات متحده امریکا و چین و همچنان نزده کشور دیگر اشتراک داشتند.

قبلاً پنج کنفرانس دیگر در کابل و اسلام آباد به منظور جست و جوی صلح در افغانستان و نقشه راه درین زمینه دایر گردیده بود که چنین طرزالعملی هم به تصویب رسید و پاکستان هم تعهد سپرده بود که طالبان را به میز مذاکره می کشاند. ولی با نقض تعهدات از طرف پاکستان این مذاکرات بیست ماه قبل قطع گردید و اکنون بعد از بیست ماه از سر گرفته شد.

به اهتمام جلیل غنی هروی

برخی از آگاهان سیاسی و همچنان مقامات خوش بینی محتاطانه نشان داده اند که از این مذاکرات نتیجه خوبی بدست خواهد آمد ولی تعداد دیگری به شمول بعضی از اعضای شورای ملی افغانستان، شورای عالی صلح و آگاهان سیاسی از سرگیری این مذاکرات چهار جانبه را که به درخواست پاکستان دایر گردیده حیلۀ دیگر پاکستان می دانند که می خواهد فشارهای را که از طرف ایالات متحده آمریکا و سایر متحدین افغانستان، به شمول ناتو، که بعد از اعلام ستراتیژی جدید ایالات متحده در بارۀ جنوب آسیا به شمول افغانستان و پاکستان بر این کشور وارد شده، تقلیل دهد.

ولی چرا درین هفته در حالی که مذاکرات برای جست و جوی تأمین صلح و ثبات بعد از بیست ماه از سر گرفته شده، این حملات شدت گرفته است؟
دلایل متعددی می تواند داشته باشد.

۱ - فشار آوردن برای کسب مشروعیت به حیث یک جناح سیاسی مطرح.

۲ - داخل شدن به مذاکرات از یک موقف قویتر و با قدرت بیشتر.

۳ - حیلۀ و نیرنگ دیگر پاکستان تا نشان دهد که بر طالبان نفوذی ندارد چنانچه در حالی که مذاکرات جریان دارد، آنها بر حملات خود افزوده اند و مستقلانه عمل میکنند.

۴ - سفر ملا هبت الله به افغانستان. گفته شده که وی برای دو روز به هلمند سفر کرده و حتی گفته می شود که تا هرات هم رفته چنانچه یک ویدیوی سفر یک کاروان موتر های لند کروزر در ولسوالی گلران هرات، که نزدیک سرحد ایران است، در شبکه های اجتماعی نشر گردید و ادعا می شود که حامل ملا هبت الله بوده است. هدف این سفر متحد ساختن طالبان با پیروان داعش در افغانستان گفته شده است. قیل بر این چندی بار از جنگها بین گروه طالبان و پیروان داعش در نقاط مختلف افغانستان خبر داده شد ولی گفته می شود که ملا هبت الله در سفرش به افغانستان بین دو گروه مصالحه را ترتیب داده است. اکنون به جای جنگیدن با یکدیگر، مشترکاً با دولت افغانستان می جنگند.

ولی این سوال مطرح میگردد که افغانستان با کدام یک از جناح های طالبان باید مذاکره کند؟

طالبان بعد از مرگ ملا عمر و به تعقیب آن بعد از کشته شدن ملا اختر محمد منصور رهبر دیگر طالبان در پاکستان، به شعبات مختلف تقسیم شده اند. گر چه گروه عمده طالبان به رهبری ملا هبت الله انشعاب و اختلاف در گروه طالبان را تکذیب میکند ولی کاملاً آشکار است که گروه ها و اشخاص با نفوذی از حلقه مرکزی طالبان جدا شده اند که می توان از این گروه ها و اشخاص نام برد:

۱ - گروه عمده طالبان به رهبری ملا هبت الله در تبنانی به شبکه حقانی که سراج الدین حقانی پسر مولوی جلا الدین حقانی به حیث معاون ملا هبت الله تعیین شده است.

۲ - گروه ملا رسول که سال گذشته در فراه اعلام موجودیت کرد و بطور مستقل با شورای عالی صلح در حال گفت و گو است.

۳ - گروه سید اکبر سابق عضو کمیته سیاسی دفتر طالبان در قطر که در آن ملا معتصم یکی دیگر از شخصیت های با نفوذ در آن شامل است.

۴ - ملا وکیل احمد متوکل وزیر خارجه حکومت طالبان در کابل

۵ - ملا عبد السلام ضعیف سفیر حکومت طالبان در اسلام آباد.

این دو مامور عالی رتبه طالبان از سالها به این طرف در افغانستان زندگی میکنند.

۶- ملا عبد المنان نیازی که از دو سال به اینطرف از جریان مرکزی گروه طالبان جدا گردیده و این گروه را تأیید نمی کند.

حالا اگر قرار باشد پاکستان به تعهداتش برای کشاندن طالبان به میز مذاکره وفا کند، که صداقت آن مورد سوال است، باید همه این گروه ها را متحداً به چنین مذاکراتی وادار سازد در غیر آن بالفرض اگر دولت افغانستان و متحدین آن موافقه کنند که با طالبان دور یک میز به نشینند و با گروه ملا هبت الله به توافقی برسند فردا گروه دیگری با حمایت حلقاتی در پاکستان و یا سایر کشور ها چه در حکومت ها و چه در خارج از حکومت های این کشورها، قد علم خواهد کرد و جنگ را دوام خواهد داد. آیا باید حکومت و مردم افغانستان چند سال دیگر با هر یک از این گروه ها به جنگند تا صلحی بدست آید؟

یگانه راه برای تامین صلح و ثبات در افغانستان آنست که افغانستان و متحدین آن، میزبان های گروه های دهشت افکن و تمویل کنندگان آنها را به شمول پاکستان، ایران، عربستان، شیوخ عرب، و سایر مراجعی که یا از طالبان مستقیماً حمایت میکنند و پناه گاه های شان در خاک آنهاست، و یا از این گروه ها حمایت مالی می نمایند، وادار سازند تا به شکل یک جناح متحد و یا مؤتلف به میز مذاکره به نشینند. گرچه شاید بعضی کشور ها مثل پاکستان ادعا کنند که نفوذی بر همه گروه های مخالفین مسلح افغانستان ندارند ولی اسناد و مدارک نشان می دهد که اکثریت این گروه ها در پاکستان پایگاه دارند.

ستراتژی جدید ایالات متحده امریکا در مورد جنوب آسیا که هند، پاکستان و افغانستان را در بر می گیرد و مورد حمایت ناتو و سایر متحدین امریکا و جهان قرار دارد بر فشار ها بر پاکستان می افزاید و هر یک جداگانه پاکستان را هشدار دادند که موجودیت پایگاه های امن گروه های دهشت افکن در خاک پاکستان پذیرفتنی نیست.

ریکس تیلرسن وزیر خارجه ایالات متحده روز پنجشنبه درنشستی که زیرنام «تعریف رابطه امریکا با هند در دهه آینده» در مرکز مطالعات ستراتیژیک و بین المللی امریکا در واشنگتن برگزار شده بود، اظهار داشت: «این یک پیام به طالبان و دیگر گروهها است که ما هیچ جای دیگر نمی رویم! تا زمانی در افغانستان میمانیم که این حضور ما باعث تغییر مفکوره شما شود و شما در باره دخیل شدن به روندهای آشتی و انکشاف با حکومت افغانستان تصمیم بگیرید و شکلی از حکومت را تشکیل بدهید که برابر با نیازهای فرهنگ افغانستان باشد.»

ریکسن تیلرسن با اشاره به پناه گاه های امن هراس افکنان در پاکستان، هشدار می دهد: «به کارگیری از هراس افکنی به حیث ابزار سیاست خارجی از سوی هر کشوری که باشد، تنها باعث آسیب رساندن به جایگاه و حیثیت آن کشور، می شود.»

این گفتار تیلر سن در رابطه با استفاده از هراس افگنی به حیث یکی از ابزار سیاست خارجی، هشدار جدی به پاکستان تلقی شده می‌تواند که این کشور باید روش قبلی و کهنه‌ای را که از سی سال به اینطرف برای وارد کردن فشار بر افغانستان و هند جهت تأمین اهدافی که در این دو کشور دارد، یعنی تعیین حکومتی دست‌نگر و مطابق به خواست پاکستان در افغانستان، و تسلط کامل بر کشمیر که بین هند و پاکستان در سال ۱۹۴۷ تقسیم گردید، دست بردارد و دیگر این حربه از کار افتاده است در غیر آن چنین روشی «از جانب هر کشوری که باشد تنها باعث آسیب رساندن به جایگاه و حیثیت آن کشور می‌شود»

پاکستان باید درک کرده باشد که نه تنها امریکا بلکه جهان، و از جمله حامیان این کشور مثل برتانیه و چین، هم با این سیاست‌های ویران‌کننده پاکستان روی خوش نشان نداده‌اند چون هر عمل تروریستی که در هر گوشه‌ای از جهان رخ می‌دهد رد پای پاکستان در آن دیده می‌شود و حضور کمپ‌های تریبوی و مراکز آموزش تندروی و افراط‌گرایی و دهشت‌افگنی در خاک این کشور به اثبات رسیده است.

تیلرسن وزیر خارجه ایالات متحده، از اسلام‌آباد می‌خواهد که باید اقدامات قاطعانه برای نابودسازی پناه‌گاه‌های هراس‌افگنان در آن کشور روی دست گیرد و این کشور را "یک همکار مهم ایالات متحده" در جنوب آسیا خواند.

وزیر خارجه ایالات متحده در عین‌زمان هند را "شریک‌واشنگتن در ایجاد صلح در افغانستان" می‌داند که ضربه دیگری است بر پاکستان که همواره ادعا می‌کرد شریک عمده صلح در افغانستان، پاکستان است و بدون پاکستان صلحی در افغانستان نخواهد بود. گرچه همین‌اکنون هم پاکستان به حیث همسایه افغانستان با سرحد مشترک بیش از دو هزار و پنجاه کیلومتر یکی از بازی‌کنان عمده صلح در افغانستان بوده می‌تواند مگر در صورتی که دست از دهشت و وحشت و آدم‌کشی توسط گروه‌های مورد حمایتش بردارد و مانع عملیات دهشت‌افگنی و طرح چنین حملاتی از خاک این کشور گردد و راه دوستی صادقانه و اشتراک در بازسازی و تأمین ثبات در افغانستان را در پیش گیرد.

ستراتژی جدید امریکا از طرف حکومت افغانستان و اکثریت سیاستمداران داخلی و خارجی به نفع افغانستان و شکست بن‌بست در جنگ شانزده ساله در افغانستان خوانده شده چنانچه کای‌ایدی، رییس پیشین یوناما در افغانستان می‌گوید: «اگر حکومت افغانستان می‌خواهد گفت و گوهای صلح به ثمر برسد، به طالبان به گونه بی‌باید مشروعیت بدهد».

وی اظهار داشت: «به نظر من در هر نبرد زمانی که حکومت با یک گروه شورشی کنار می‌آید، باید به آن حرکت نوعی از مشروعیت را بدهد، این در همه جا رخ می‌دهد و غیر قابل‌برگشت است»

اما ستراتیژی امریکا نه تنها مورد انتقاد و محکومیت پاکستان و ایران و روسیه قرار گرفت بلکه در داخل افغانستان نیز مورد انتقاد بعضی حلقات قرار گرفته است. بعضی دیگر از سیاسیون و آنانی که در رسانه‌ها ابراز نظر میکنند و در میزهای گرد اشتراک میکنند، آنرا تائید نمی‌کنند.

با این همه، پاکستان و ایران در باره این ستراتیژی عکس‌العمل‌های منفی دارند و این ستراتیژی را یک برنامه جنگی می‌دانند.

حسین ملایک، معاون مرکز مطالعات ستراتیژیک ایران که در ششمین کنفرانس بین‌المللی گفت و گو های امنیتی هرات در هفته گذشته صحبت می کرد گفت: «این ستراتیژی، از سه بخش تشکیل شده است: بخش اول، بررسی ایران است. دوم، یافتن یک جای گزین برای کشورهای آسیای میانه تا اداره و نفوذ بر این منطقه از دست چین و روسیه، بیرون کشیده شود.»

جمعه خان صوفی، استاد یونیورسیتی پشاورگفت: «برای صلح، سایه بی وجود ندارد. این یک سیاست جنگی و نظامی است. این یک پالیسی است که از سوی پنتاگون، دیکته شده است.»

دیده می شود که نظر آقای کرزی هم با نظریات پاکستان و ایران همسان است چنانچه گفت: این ستراتیژی، ستراتیژی جنگ است نه صلح.»

همزمان با این، چین و امریکا از ادامه کمک ها به روند صلح به رهبری افغانستان اطمینان می دهند.

سوجی، رئیس انستیتوت مطالعات جهانی چین تصریح کرد: «چین همواره یک همسایه و دوست افغانستان بوده است و به حاکمیت، استقلال و تمامیت ارضی این کشور حرمت می گذارد. چین حاضر است که با تمامی اعضای جامعه جهانی برای تأمین صلح، ثبات و پیشرفت در افغانستان کار کند.»

براین تود، استاد یونیورسیتی دفاع ملی امریکا اظهار داشت: «ما هنوز هم با جنبه های اداری این ستراتیژی درگیر هستیم که چگونه می توانیم فراتر از جنگ های نظامی در این کشور دخیل باشیم. می خواهم به مخاطبان افغان بگویم که ستراتیژی نظامی ایالات متحده، مهم نیست. این ستراتیژی مهم نیست؛ زیرا بارها تاکید شده است که راه حل نظامی، وجود ندارد.»

از این اظهارات براین تود بر می آید که هدف این ستراتیژی تنها و فقط جنگ نیست، و مسایل نظامی بخشی از این ستراتیژی است نه همه محتوای آن، بلکه فراتر از مسایل نظامی و جنگ است و باز هم بر راه حل غیر نظامی تأکید می شود یعنی صلح با مخالفین و تشکیل یک میکانیزم سیاسی که به قول ریکس تیلرسن وزیر خارجه ایالت متحده «برابر با نیازهای فرهنگ افغانستان» باشد

پایان